

وقف و تأثیر آن در عمران شهرهای عراق دوره عثمانی

سید حسن موسوی

گزارش کتاب بلديات العراق في العهد العثماني

مقدمه

در دوره حاکمیت عثمانی، عراق یکی از ولایت های امپراطوری عثمانی بود و خلافت سنی عثمانی که خود را ادامه خلفای بغداد می دانست بر شهرهای مذهبی عراق سیطره داشت. یک نظریه اینست که یک دلیل اختلاف عثمانی با صفویه شهرهای مذهبی و عتبات عراق بود، صفویه می گفتند، عثمانی ها هیچ تلاشی در عمران و آبادانی نجف اشرف، کربلاء، کاظمین و سامرا ندارند و حتی شرایطی فراهم می آورند که این شهرها مخروبه و غیر بهداشتی بماند و به همین دلیل با دولت عثمانی به مشاجره و محاجه و گاه جنگ می پرداختند. اکنون بر اساس اسناد باقی مانده می خواهیم بدانیم وضعیت این شهرها چگونه بوده و دولت عثمانی تا چه اندازه در آبادانی این شهرها می کوشید؟ سوم اینکه وقف چه نقشی در عمران این شهرها داشت؟

تمامی این پرسش ها را تلاش می کنم بر اساس مطالب مندرج در کتاب بلديات العراق في العهد العثماني (۱۵۳۴-۱۶۷۸م) که به دست آوریم. در واقع با بررسی و گزارش این کتاب به پرسش های فوق هم پاسخ می گویم.

این کتاب دارای این مشخصات کتاب شناختی است

بلديات العراق في العهد العثماني (۱۵۳۴-۱۶۷۸م)، عبدالعظیم عباس نصار، الطبعة الاولى، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵-۱۴۳۷ق.

این کتاب شامل چهار فصل زیر است

- فصل ۱: وضعیت اداری-سیاسی و تأثیر آن در خدمات شهری در دوره عثمانی
 - تقسیمات اداری
 - شرائط و اوضاع سیاسی و تأثیر آن در خدمات شهری
- فصل ۲: اصلاحات عثمانی و چگونگی اجرای آن
 - جنبش اصلاحات و عصر تنظیمات و تأثیر آن در شهرهای عراق
 - تلاش های سلاطین عثمانی در ایجاد شرائطی برای خدمات شهری
 - نقش وقف در خدمت رسانی به مردم
- فصل ۳: شهرداری ها و تشکیلات اداری
 - ایجاد مدیریت مرکزی در شهرهای عراق

- احداث شهرداری ها و واحدهای تابعه در همه شهرها و روستاها
- کارآیی شهرداری ها و نقش وقف در مدیریت شهری
- فصل ۴: مجلس شهرداری (شورای شهر)
 - ولایت بغداد
 - ولایت بصره
 - ولایت موصل
- دوره اشغال انگلستان و نقش شهرداری ها

نویسنده در لابلای این مباحث و فصول، در چندین جا به تحلیل وقف و جایگاه وقف می پردازد.

کارآمدی عثمانی در عراق

دولت عثمانی در ۹۴۱ق/ کانون الاول ۱۵۳۴م در دوره سلطان سلیمان قانونی صدارت اعظمی ابراهیم باشا و به رهبری ایشان به عراق لشکر کشید و شهرهای عراق را اشغال کرد.

صفویه به اشغال عراق به ویژه شهرهای مذهبی مثل نجف و کربلا اعتراض داشته و در سال ۱۶۲۴ق توانستند کنترل این شهرها به دست گیرند. ولی در سال ۱۶۳۸م مجدداً عثمانی ها بر عراق تسلط پیدا کردند و تا پایان خلافت عثمانی یعنی تا ۱۹۹۸م عراق تحت اختیار عثمانی ها بود.

عثمانی ها، مدیریت کارآمد در عراق نداشته و فقط درصد اخذ مالیات های سنگین از کشاورزان و شهروندان بودند ولی خط مشی و تدبیر جدی برای عمران و آبادانی این منطقه نداشتند [۱] بسیاری از اقشار شیعه عراق که مناطق میانی و جنوب عراق ساکن بودند، سلطه دولت سنی مذهب را نمی پذیرفتند و همواره شورش ها، عدم اطاعت از اوامر دولت و امثال این ها وجود داشت و این تنش ها مانع سازندگی بود [۲]

به ویژه عشائر دائماً تمرّد می کردند و به دلیل زندگی آنها در هورها، امراء دولت نمی توانستند آنها را سرکوب کنند [۳]

البته در دوره هایی، خلافت عثمانی اقدامات زیربنایی برای آبادانی و توسعه نجف و کربلا اجرا کردند، برای نمونه والی عراق به نام حسن باشا توانست شورش ها را خاموش کند و راه هجوم های صفویه را بست و توانست مقبولیت و محبت مردم را به دست آورد، مراقد ائمه (ع) در نجف، کاظمیه و کربلا را ترمیم کرد، راه ها را توسعه داد و پل ها و جاده های جدید ساخت تا زائران و بازرگانان از کشورهای مختلف به راحتی بتوانند تردد داشته باشند. بین راه ها، اماکنی برای استراحت مردم ساخت، برای نهر حسینیه جدول و پل ساخت، بطوری که این نهر پس از این به نام نهر سلیمانی شهرت یافت. مدارس فراوانی برای تعلیم اولیه بچه ها و نیز آموزش قرآن راه اندازی کرد. وی تمامی مالیات های دریافتی و مبالغی که زوار و نیکوکاران می پرداختند و نیز درآمد موقوفات را در خود عراق مصرف می کرد و مردم را تشویق به وقف می نمود و سازمان کارآمدی برای اداره موقوفات تأسیس کرد [۴]

رویه متعارف و متداول این بود که والی عراق موقوفات منقول را جمع آوری و به دربار عثمانی می فرستاد، نیز درآمد موقوفات غیر منقول، زکات، دیگر مالیات ها و جزیه ها را نیز به همین روش اقدام می کرد. برای این منظور تشکیلاتی برای گردآوری اموال ایجاد شده بود. در این تشکیلات بخشی به نام شاد الاوقاف و بخش دیگری به نام شاد الزکاه و همچنین شادهای دیگر تأسیس شده بود. نیز بخش اداری به نام «تفنگجی باشی» بود که وظیفه امنیت و مجازات کسانی که مالیات نمی پردازند وجود داشت. والی عراق، شهرداری به نام «داراغاسی» یعنی رئیس شهر یا مدیریت شهری دایر کرده بود [۵]

خلافت مرکزی که به باب عالی یا دربار عثمانی معروف بود برای تشکیلات ولایت عراق این وظایف را تصویب کرده بود.

نظافت، روشنایی، آب رسانی، اطفاء حریق، راه سازی، خدمات بهداشتی و پزشکی، مدیریت شهری و مراقبت بر آثار باستانی. در دوره هایی که والی، کارآمدی نبود یا موانع زیادی در جهت اجرای اهداف وجود داشت، معمولاً خود مردم با استفاده از پتانسیل های وقفی به اداره امور و تمشیت کارها می پرداختند.

در زمانی که وضعیت شهرهای بغداد و نجف بسیار کثیف بود و آب شرب مردم با مشکل مواجه بود، واقفین به کمک آمده و با وقف اموال خود آب رسانی به همه خانه ها را با لوله کشی و ایجاد سدی در خارج از کشور را اجرا کردند. و از هر خانه مبلغ اندکی هر ماه دریافت می شد تا برای امور دیگر شهر مصرف شود [۶]

به حال در دوره حاکمیت عثمانی ها، خود مردم خیر و نیکوکار، مؤسسات فراوانی خیریه و وقفی به منظور رسیدگی به امور ایتام، مسافرین، آب رسانی، روشنایی و همه خدمات شهری راه اندازی کردند. نیز ده ها مسجد، مدرسه، مرکز علمی و خدماتی تأسیس کردند. شیعیان به روش های مختلف موقوفات خود را در وطن خود و در شهرهای شیعه نشین مصرف می کردند و به عمال و والی های دولت عثمانی نمی دادند.

پایان

این کتاب از مهم ترین آثار درباره شهرداری و مدیریت شهری در عراق در دوره عثمانی و جایگاه وقف و موقوفات در عرضه خدمات شهری است. نویسنده با اتکاء بر اسناد و مدارک باقی مانده از دوره عثمانی به بررسی شرائط این دوره می پردازد.

این کتاب مدل مناسبی برای تحقیق درباره شهرهای ایران در دوره های تاریخی صفویه، سلاجقه و افشاریه، قاجاریه و غیره است. چون برای کشف جایگاه عینی وقف در این دوره های تاریخی به ناچار باید اینگونه پژوهش ها عمل شود.

پانویس

۱. پرش به بالا^۱ بلدیان العراق، ص ۶۳.

۲. پرش به بالا↑ همان ص ۶۴.
۳. پرش به بالا↑ همان ص ۷۲-۷۳.
۴. پرش به بالا↑ همان ص ۷۳ به بعد.
۵. پرش به بالا↑ همان، ص ۷۹.
۶. پرش به بالا↑ همان، ص ۱۸۴.

رده‌ها :

- میراث جاویدان شماره ۷۲